گذر

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس:

پرونده واردات میوه، قضایی می‌شود

■ **فارس:** عضو کمیسیون کشاورزی مجلس با بیان اینکه عملکرد وزارت صنعت، معدن و تجارت در واردات میوه فراتر از قانون‌شکنی است، گفت: نظر کمیسیون کشاورزی این است که واردات موجب از بین رفتن کشاورزان خرد شده و احتمال قضایی شدن پرونده هست. یونس اسدی اظهار داشت: بعد از ابلاغ قانون بهره‌وری کشاورزی و براساس ماده ۱۶ این قانون که تمام سیاست‌گذاری‌های واردات بخش کشاورزی را به وزارت جهاد کشاورزی تفویض اختیار کرده و حتی بعد از نامه ۳۰ خرداد ۹۰ سال‌جاری وزارت جهاد کشاورزی که ورود برخی محصولات را ممنوع اعلام کرده بود، شاهد همین میوه‌ها در بازار هستیم. عضو کمیسیون کشاورزی مجلس افزود: وزیر صنعت، معدن و تجارت زمان شش‌ماهه ثبت سفارش را به‌عنوان توجیه واردات مطرح می‌کند. عضو کمیسیون کشاورزی مجلس تصریح کرد: اما همواره قانون مقدم بر آیین‌نامه است اگر قانون بهره‌وری کشاورزی تمام اختیارات واردات را به وزارت جهاد کشاورزی تفویض کرده است، بنابراین این موضوع بر آیین‌نامه‌های متداول ارجحیت دارد. اسدی گفت: در حال حاضر کمیسیون کشاورزی مجلس طبق اختیارات ماده ۳۳ آیین‌نامه مجلس در حال تهیه گزارش از عملکرد وزارت صنعت، معدن و تجارت درخصوص واردات میوه است که بعد از آن در مجلس قرائت خواهد شد. وی تاکید کرد: اطمینان کامل دارم که تصمیم و رأی کمیسیون مجلس به مقصر بودن وزارت صنعت، معدن و تجارت در واردات اخیر است. وی اضافه کرد: به دلیل اینکه عملکرد آنها موجب اخلال در نظم اقتصادی شده احتمال قضایی‌شدن پرونده زیاد است.

ثبت سفارش واردات‌هزاران تن میوه از اول شهریور تا ۲۵ آبان

■ **فارس:** سرپرست دفتر حمایت از سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و توسعه تجارت کشاورزی گفت: اسناد ثبت سفارش و واردات وزارت صنعت، معدن و تجارت بعد از اعلام ممنوعیت از سوی وزارت جهاد کشاورزی وجود دارد. اسماعیل عباس‌پور درخصوص ادعاهای اخیر وزارت صنعت، معدن و تجارت درباره واردات میوه اظهار داشت: وزارت جهاد کشاورزی طی نامه‌ای در ۱۵ شهریور ۸۹ به وزارت بازرگانی ثبت سفارش و واردات تمام اقلام کشاورزی از قبیل توت‌فرنگی، برگ‌آلو، بادام آمریکایی و انواع میوه به غیر از موز را تا اطلاع ثانوی ممنوع اعلام کرد. سرپرست دفتر حمایت از سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و توسعه تجارت کشاورزی افزود: مجددا طی نامه‌های ۱۷ شهریور و ۱۹ مهر ۸۹، ۱۱ خرداد و ۲۱ تیر ۹۰ وزارت جهاد کشاورزی با تاکید به نامه نخست مجددا فهرست اقلام ممنوع اعلام شده قبل را تایید کرد. عباس‌پور گفت: با وجود این ممنوعیت که از سوی وزارت جهاد کشاورزی اعلام شد اما از همان شهریور سال ۸۹ وزارت بازرگانی و گمرکات کشور اقدام به صدور ثبت سفارش و ترخیص انواع میوه به‌ویژه مرکبات کرده است. سرپرست دفتر حمایت از سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و توسعه تجارت کشاورزی با اشاره به اسنادی در ارتباط با ثبت سفارش میوه از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت بعد از اعلام ممنوعیت گفت: نامه گمرک میرجاوه زاهدان به اتاق صنایع معادن استان سیستان و بلوچستان حاکی است که از تاریخ اول شهریور تا ۲۵ آبان جاری هزاران تن انواع میوه و نارنگی ثبت سفارش شده است. عباس‌پور گفت: همچنین از خرداد تا آبان سال ۹۰ از گمرک بازرگان در استان آذربایجان‌غربی در اردیبهشت و آبان از گمرک شهیدرجایی مقادیر زیادی میوه ترخیص شده که تنها آمار بخشی از میوهای وارده به کشور بعد از اعلام ممنوعیت واردات از سوی وزارت جهاد کشاورزی است.

ترخیص کالاهای وارداتی منوط به ارایه گواهی کد رهگیری کالا شد

■ **مهر:** دولت به منظور مبارزه با ورود کالای غیرمجاز، ترخیص کالاهای وارداتی را منوط به ارایه گواهی کد رهگیری کالا کرد. وزیران عضو کارگروه حمایت از تولید بنا بر پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت و به استناد اصل یک‌صدوسی‌وهشتم قانون اساسی به منظور مبارزه با ورود کالای غیرمجاز به بازار داخلی و رهگیری کالا در نظام تامین، تولید و توزیع، گمرک جمهوری اسلامی ایران را موظف کرد ۱۰روز پس از ابلاغ این تصمیم نامه، «گواهی دریافت کد یکتای رهگیری کالا» که توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت صادر می‌شود را به‌عنوان یکی از مدارک لازم برای ترخیص کالا از واردکنندگان اخذ کند. همچنین براساس مصوبه دیگر دولت، به منظور کاهش مخاطره نقدشوندگی وثایق در بانک‌ها و کاهش هزینه‌های مبادلاتی از یک طرف و افزایش بهره‌وری دارایی‌های راکد از طرف دیگر، بیمه مرکزی موظف است، طی یک ماه پس از ابلاغ این تصمیم نامه، دستورالعمل اجرایی «ضمانت تعهدات مبتنی بر وثایق» را با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تدوین و به تمام شرکت‌های بیمه ابلاغ کند. دولت بانک مرکزی را نیز موظف کرده است، طی یک ماه پس از ابلاغ این تصمیم نامه، تدابیر لازم را برای اجرای موضوع یاد شده در نظام بانکی اتخاذ و ابلاغ کند. این مصوبه از سوی محمدرضا رحیمی، معاون اول رییس‌جمهور برای اجرا ابلاغ شده است.

حسین راغفر در گفت‌وگو با «شرق»:

جنبش «وال‌استریت» نماد ناامیدی از اصلاحات است

عکس: گل‌آرا سجادیان

ادامه از صفحه اول

دولت آمریکا در خدمت به شرکت‌های بزرگ هزاران میلیارد دلار از پول مالیات‌دهندگان آمریکایی را برای نجات شرکت‌های خصوصی از بحرانی مصروف کرد که حاصل سوءاستفاده‌های گسترده سرمایه‌داران بزرگ و مدیران این شرکت‌ها بود؛ بحرانی که مصیبت‌های بزرگی برای صدها میلیون انسان در آمریکا و سراسر جهان رقم زده است. شرکت گُلدمَن سَکس از بزرگ‌ترین بانک‌های سرمایه‌گذاری آمریکا میلیاردها دلار از مالیات‌های مردم را برای ثروتمندتر کردن خود و پرداخت پاداش به مقامات ارشد خود استفاده کرد. مدیران ارشد این بانک مبلغ ۱۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹، مبلغ ۱۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ و ۱۰ میلیارد دلار در ۹ماهه سال ۲۰۱۱ پاداش دریافت کردند. سیتی گروپ، یکی دیگر از شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانکداری است که طی دهه‌ها یکی از فاسدترین این دسته از شرکت‌هاست. این شرکت بارها و بارها توسط دولت‌های نومحافظه‌کار با استفاده از پول مالیات‌دهندگان از بحران‌های خودساخته نجات داده شده است؛ این حمایت‌ها از زمان رایگان آغاز شد و امروز یک‌بار دیگر مورد حمایت دولت‌های بوش و اوباما قرار گرفته است. فهرست اقدامات فاسد این شرکت سرمایه‌گذاری و بانکی حیرت‌آور است. بنابراین اگر نظام سرمایه‌داری بماند به واسطه قدرت سیاسی و اقتصادی اقلیت حاکم است که البته این روند نمی‌تواند دایمی باشد.

ابقا به‌واسطه قدرت سیاسی و اقتصادی که نوعی از سرکوب را هم در ذات خود دارد در نهایت سلب آزادی و ناامنی را در پی خواهد داشت. ارزیابی شما در این رابطه چیست؟

درست است. با ابقای نظام سرمایه‌داری، این ایام، ایام ناامنی نامیده می‌شود. مردمی که یک زندگی مملو از ناامنی را نه در متن جامعه که در پیرامون آن تجربه می‌کنند؛ حتی دیگر پیرامونی هم نیست، در حال تبدیل شدن به یک بخش اساسی از جامعه در ایالات متحده و بقیه جهان است. این ناامنی به‌عنوان یک نکته مثبت ارزیابی می‌شود و پایان آن به نفع معترضان خواهد بود. اَلن گرین‌اسپَن رییس فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) که مورد تکریم و تجلیل جامعه اقتصاددانان حرفه‌ای بود گاهی که از او به عنوان «اَلن مقدس» و یکی از بزرگ‌ترین اقتصاددانان همه اعصار نام می‌بردند در دوران کلینتون در کنگره توضیحاتی ارایه داد و عجایب اقتصاد بزرگ آمریکا را تبیین کرد. او گفت که این اقتصاد مبتنی بر «ناامنی فزاینده کارگر و نیروی کار است.» اگر کارگران «ناامن» باشند و زندگی مملو از ناامنی داشته باشند، آنها مطالبه نمی‌کنند، روی دستمزدهایشان چانه نمی‌زنند، مزایا نمی‌گیرند و هر موقع آنها را نخواستیم می‌توانیم آنها را بیرون بیندازیم و این برای سلامت اقتصاد خوب است؛ این چیزی است که به لحاظ فنی اقتصاد سالم نامیده می‌شود و او به‌خاطر این حرف‌ها مورد تفقد زیاد قرار گرفت و چنین است که جهان به یک طبقه ابرثروتمند و یک طبقه ناامن تقسیم می‌شود که همان کمتر از یک درصد در مقابل بیشتر از ۹۹ درصد است. به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که علت حضور مردم در اعتراض ضد وال‌استریت فقط این نیست که پول آنها را در قالب مالیات گرفتند و به بانکدارها و ابرسرمایه‌داران پرداختند. بلکه این خودِ ماهیتِ نجاتِ آنهاست که مردم را خشمگین کرده است؛ اینکه مسببان این جنایات به سرنوشت صدها میلیون انسان در سراسر جهان پاداش بگیرند و مردم زحمتکش و سخت‌کوشی که هیچ مسوولیتی در ایجاد این بحران نداشته‌اند تنبیه شوند و تاوان فساد ابرثروتمندان را با از دست دادن سرپناه و شغل خود بپردازند. علت این اعتراض‌ها را باید در تحقیرهای برهم انباشته‌شده، آزادی‌های سلب‌شده و ناامنی موجود جست‌وجو کرد.

اما طرفداران نظام سرمایه‌داری و حمایت از شرکت‌های بزرگ بر این باورند که این اقدام در نهایت به نفع مردم و طبقه متوسط جامعه بوده است و اگر این نظام و متعلقات آن از بین بروند انسانیت نیز از بین خواهد رفت.

اصلا این‌گونه نیست و تحلیل‌هایی از این دست، فاقد پشتوانه بوده و تنها برای سرپوش گذاشتن به چرایی بروز پدیده‌ای به نام جنبش وال‌استریت است. این تصمیم نجات بانک‌ها بود که موجب انفجار خشم فروخورده برهم انباشته شد؛ به‌جای اینکه قربانیان سیاست‌های غلط را که شغل، درآمد و کاشانه خود را از دست دادند نجات دهند. از جمله بی‌عدالتی‌های مندرج در این بسته به اصطلاح نجات اقتصاد این است که هزینه‌های این بحران بر سر و سرنوشت قربانیان فروباریده است. هزینه‌های بحران به صورت کاهش خدمات عمومی و اجتماعی، آموزش و پرورش و خدمات سلامتی متوجه مردمی است که خود غوطه‌ور در ناامنی هستند. شعار «ما هزینه‌های بحران شما را پرداخت نمی‌کنیم» دو سال پیش ابتدا در ایتالیا آغاز شد و سپس به یونان و بعد به فرانسه گسترش یافت و امروز جهانی شده است. این نتیجه بی‌عدالتی است که قربانیان باید هزینه‌های بحران را به‌جای ثروتمندان بپردازند. به‌جای اینکه نیروی کار مردم در داخل هدف سیاستگذاران باشد، حداکثر کردن سود ابرثروتمندان به هر وسیله حتی نامشروع تنها دغدغه سیاست‌گذاران است. مردم از اینکه حرص و آز ثروتمندان با حمایت سیاستمداران فاسد مشاغل را از آنها ربوده و به چین و هند و کشورهای دیگر برده خشمگین هستند، به‌جای اینکه در کشور خودشان بمانند، که البته بر رفاه و زندگی عموم مردم تاثیر منفی روشنی دارد. بدون شغل درآمد ندارید، بدون درآمد مصرف ندارید، بدون مصرف رشد ندارید و همین امر سبب می‌شود رکود و بیکاری عمیق‌تر و گسترده‌تر شود.

یکی از دلایلی که دولت‌ها را به این سمت برد که از شرکت‌های بزرگ حمایت کنند بحران جهانی اقتصاد بود؛ اتفاقی که از سال ۲۰۰۸ تاکنون بسیاری از معادلات را بر هم زده است. ریشه‌های بحران کنونی سرمایه‌داری را در کجا باید جست‌وجو کرد؟

تحلیل خیلی جالبی که اخیرا توسط ویلیام گراس، یکی از پایه‌گذاران یکی از بزرگ‌ترین بنگاه‌های سرمایه‌گذاری جهانی، یعنی پی‌ای‌ام کو، در مصاحبه با سی ان بی‌سی بیان شد، شامل چند نکته حایز اهمیت است که از جمله آنها اشاره به بعضی ریشه‌های بحران سرمایه‌داری کنونی دارد. او اظهار داشت: یکی از تناقض‌های سرمایه‌داری که آن را آنقدر مخرب کرده است که پایه‌های خود را تخریب می‌کند، این است که مصرف‌کننده‌ها پایه سرمایه‌داری هستند و باید قادر باشند که کالاهای سرمایه‌داری را خریداری کنند و به این منظور، سرمایه‌داری بتواند انواع اعتبارهای ارزان‌قیمت را در اختیار مصرف‌کنندگان بگذارد تا آنها بتوانند خرید کنندکه در این‌صورت این اعتبارها تبدیل به حباب می‌شوند، متورم می‌شوند و می‌ترکند و اقتصاد را نابود و زیست‌بوم را تخریب می‌کنند که همه انسان‌ها و از جمله خود سرمایه‌دارها به آن وابسته هستند و به دلیل درهم تنیده بودن اقتصاد و محیط زیست، ریشه‌های بحران اقتصادی و محیط زیست در حرص و آز نامحدود سرمایه‌داران نهفته است و اینکه قادر نیستند این فرآیند تخریب را متوقف کنند؛ اینکه نمی‌توانند درک کنند که محدودیت‌هایی وجود دارد که در عالم طبیعت کمیابی وجود دارد. این یکی از محدودیت‌هایی است که جهان ما نمی‌تواند آلودگی‌ها و زباله‌هایی را که تولید می‌کنیم جذب کند. اینکه درک ما از محدودیت‌ها آنچنان دچار تغییرات عجیب و غریب شده است که آن محدودیت‌ها را درک نمی‌کنیم، ما محدودیت‌های واقعی را درک نمی‌کنیم. این محدودیت‌های واقعی را فیزیک و شیمی بر ما تحمیل می‌کنند. اما وقتی نوبت اقتصاد می‌شود محدودیت‌های کاملا غیرواقعی و کاذبی وضع می‌کنیم. این موضوع محدودیت‌های کاذب سبب شده است که عده‌ای می‌گویند پول کافی وجود ندارد که نظام سلامت مناسب داشته باشیم. پول کافی وجود ندارد که جوانان ما آموزش و پرورش همگانی و مناسب داشته باشند. پول کافی وجود ندارد که مردم مسکن و سرپناه مناسبی داشته باشند. پول کافی وجود ندارد که حمل و نقل شهری از این وضعیت نابسامان نجات داده شود. فضای کافی وجود ندارد که فضای سبز و زمین ورزشی در اختیار مردم و جوانان قرار گیرد. اما مساله اصلی این کمیابی کاذب نیست. مساله این است که ما بحران توزیع داریم. همچنین باید توجه داشت که مساله محدودیت‌های واقعی وجود دارد؛ محدودیت‌هایی که محیط زیست ما برای جذب این همه آلودگی دارد که این خود فشار فوق‌العاده‌ای بر محیط زیست ما وارد کرده است و تغییرات آب و هوایی تنها نشانه‌های بخشی از این فشاری است که بر محیط زیست تحمیل شده است.

تاثیر دستگاه‌های سیاسی و مافیای قدرت در به وجود آمدن جنبش وال‌استریت چه میزان بوده است؟

نکته حایز اهمیت دیگری که موجب بروز جنبش وال‌استریت را اشغال کنیم شده است، همین فسادی است که در دستگاه سیاسی و نظام‌های تبلیغاتی برای دستکاری در آرای مردم و زد و بندهای فاسدی است که در پس هر انتخاباتی نهفته تا آرای مردم را مهندسی کنند و سپس به انحای مختلف مانع از تحقق خواست مردم شوند. این مساله سبب ناامیدی مردم نسبت به انجام تغییر از طریق صندوق‌های رأی شده است و به این ترتیب، واکنش مردم چنین شده است که به خیابان‌ها بیایند و خواهان تغییرات از طریق اقدام مستقیم خود باشند. و به همین دلیل، اشغال وال‌استریت یک شعار نمادین است. برای اینکه این وال‌استریت است که کاخ سفید را اداره می‌کند و اشغال آن به معنای اشغال مرکز تصمیم‌گیری‌های اساسی است که چون توسط مردم صورت گیرد سبب می‌شود بقیه تصمیم‌های اساسی نیز اصلاح شوند. به این ترتیب، شعار «وال‌استریت را اشغال کنیم» انعکاس ناامیدی مردم از تحقق تغییر از طریق صندوق رأی و نفوذ پول و سرمایه برای خرید و فروش فرآیندهای سیاسی است. نتیجه کنترل سیاسی از طریق نفوذ سرمایه سبب بروز بدبینی سیاسی و بی‌حسی سیاسی نسل جوان شده است. وقتی جوانان در آمریکا برای انتخاب اوباما با شعار تغییر با امیدواری فراوان وارد ستادهای انتخاباتی او شدند و وقتی با وعده تغییر و با آرای گسترده مردم برنده انتخابات شد به همه وعده‌های خود پشت کرد. وقتی مردم شاهد هستند که قانون مراقبت‌های ملی سلامت به کنگره تحت فشار شرکت‌های بزرگ بیمه‌های درمانی تعطیل می‌شود یا اینکه اخیرا قانونی که برای کنترل دود و آلودگی هوا توسط آژانس حمایت از محیط زیست آمریکا به کنگره تسلیم شده بود، تحت فشار گروه‌های صنعتی توسط خود اوباما وتو می‌شود و ده‌ها و ده‌ها وعده دیگر، نظام سیاسی هیچ‌یک تحقق نمی‌یابد و مردم احساس می‌کنند که به آرای آنها خیانت شده است طبیعی است که از ایجاد تغییر از طریق صندوق‌های رأی ناامید شوند و مسیرهای دیگری را جست‌وجو کنند.

آینده این جنبش چه خواهد بود و آیا نظام سرمایه‌داری بار دیگر خواهد توانست با اتکا به اصلاحات به حیات خود ادامه دهد؟

جنبش «وال‌استریت را اشغال کنیم» امیدهای زیادی را در نسل جوان سبب شده است و موجب نگرانی‌های شدید سرمایه‌داری و تحصیلکرده‌هایی شده است که در خدمت به آن نقش برده‌های سرمایه‌داری را ایفا می‌کنند. امروزه ثابت شده است که چگونه نخبگان ثروت و قدرت دست در دست هم می‌کوشند از بحران‌ها بهره گیرند و از طریق بازسازی‌های افراطی در جوامع منافع خود را مستدام و پایدار کنند و این یک طنز تلخ بزرگ در یک بحران اقتصادی است که از طریق مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی و حاکمیت شرکت‌ها خلق می‌شود و آن اینکه راه‌حل‌هایی که برای این بحران‌ها پیشنهاد می‌شوند تخریب بیشتری در قلمرو عمومی مقررات‌زدایی بیشتر را به دنبال دارند و این همان چیزی است که از اجتماعات نئولیبرال در آمریکا و همه جا می‌شنویم. آنها خواهان خلاصی از هر نوع مقررات هستند. و به این ترتیب تنها راه مقاومت در مقابل آموزه شوک این است که وقتی بحران‌ها بروز می‌کنند بهترین فرصت برای نخبگان سرمایه و ثروت فراهم می‌شود که شوک‌های خود را به جامعه وارد کنند. درست در همین زمان‌هاست که جامعه باید مقاومت کند و آنها را به عقب براند و اگر نتواند آن را کاملا متوقف کند حداقل سرعت آن را کم کند و این اتفاقی است که در اروپا رخ داده است و این درسی است که همه کشورها باید بگیرند. سرمایه‌داری نئولیبرال، سرمایه‌داری شرکتی که دولت‌ها را در کنترل خود دارند تصرف جهانی اقتصاد به‌نام جهانی شدن است و جهانی شدن اقتصاد، نقاب دیگری از سرمایه‌داری شرکتی در مقیاس جهانی است. امروزه این آگاهی در حال رشد است که مبارزه برای استقرار یک جامعه خوب یک مبارزه دایمی است و اینکه یک جامعه خوب جامعه‌ای است که اساسا مساوات‌طلب و اساسا مردم‌سالار باشد؛ ویژگی‌هایی که لیبرالیسم به مدت سه قرن در جهان جمع آنها را غیرممکن اعلام کرده است. تحقق چنین جامعه‌ای مسوولیت اخلاقی همه ما را برای عمل عقلانی، با نیت خیر و با قوت طلب می‌کند. با توجه به این مهم می‌توان گفت سرمایه‌داری اگر این بحران را هم پشت سر بگذارد دیگر اعتبار و استحکام گذشته را نخواهد داشت و آینده آبستن تحولات عظیم در ساختارهای اقتصادی کشورهای دارای نظام سرمایه‌داری خواهد بود.

خبر

اکونومیست خبر داد

کاهش بیش از ۹میلیارد دلاری صادرات ایران در سال آینده

■ **ایسنا:** واحد اطلاعات اکونومیست در جدیدترین گزارش خود از افزایش بیش از ۱۶میلیارد دلاری صادرات ایران طی سال‌جاری و کاهش بیش از ۹میلیارد دلاری آن در سال آینده خبر داد. به گزارش واحد اطلاعات، اکونومیست در گزارش ماه نوامبر ۲۰۱۱ خود صادرات ایران در سال گذشته را ۸۴میلیارد و ۴۰۰میلیون دلار برآورد و پیش‌بینی کرد که این شاخص در سال‌جاری با ۱۶میلیارد و ۴۰۰میلیون دلار افزایش به صد میلیارد و ۸۰۰میلیون دلار برسد. به اعتقاد تحلیلگران اکونومیست، در سال آینده صادرات ایران کاهش ۹میلیارد و ۸۰۰میلیون دلاری داشته و به ۹۱میلیارد دلار بالغ خواهد شد. با افزایش ۸۰۰میلیون دلاری نسبت به سال ۱۳۹۱ ارزش صادرات ایران در سال ۱۳۹۲، معادل ۹۱میلیارد و ۸۰۰میلیون دلار خواهد بود. اعتقاد کارشناسان اکونومیست بر این است که در سال ۱۳۹۳ صادرات ایران دوباره افزایش داشته و به ۹۴میلیارد و ۶۰۰میلیون دلار خواهد رسید. سال ۱۳۹۴، سالی است که برای صادرات ایران رقم ۹۶میلیارد و ۶۰۰میلیون دلاری پیش‌بینی شده و اعتقاد بر این است که این مبلغ طی سال ۱۳۹۵ به ۱۰۱میلیارد و صد میلیون دلار افزایش یابد.

جلوگیری از فعالیت تجاری شرکت‌های آمریکایی با ایران

■ **ایسنا:** درخواست کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا از ده‌ها شرکت آمریکایی برای برملا کردن فعالیت تجاری خود با ایران نشان می‌دهد که با وجود فشارهای سیاسی، این روابط اقتصادی است که تاثیرگذارترند. فاینشنال‌تایمز در گزارشی، تحقیق کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا را بخشی از بازبینی این کمیسیون از ریسک سرمایه‌گذاری شرکت‌ها برای سهامداران عنوان کرده است. این کمیسیون از شرکت‌های آمریکایی خواسته فعالیت تجاری با ایران، سوریه و کشورهای دیگری که از سوی وزارت‌خارجه آمریکا معرفی شده‌اند را افشا کنند. شرکت سونی، کاترپیلار، امریکن اکسپرس، آیبکام تکنولوژی، ایریدکس و وئولیا اینوایرونمنت جزو شرکت‌هایی هستند که از بخش مالی شرکتی این کمیسیون، نامه دریافت کرده‌اند. براساس گزارش فاینشنال‌تایمز، پاسخ آنها نشان می‌دهد تا چه میزان فروش این شرکت‌ها با اعمال تحریم‌های بین‌المللی کاهش می‌یابد.